



## فرآیند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی در کردستان ایران:

### مطالعه موردی شهرستان سردشت (۱۳۷۹-۱۳۰۰ هجری شمسی)\*

احمد محمدپور\*\*

#### چکیده

هدف این تحقیق بررسی فرآیند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی در شهرستان سردشت از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی تا سال ۱۳۷۹ می‌باشد. روش انجام این تحقیق کیفی و میدانی بوده است که در آن محقق با استفاده از روشهای تحقیق کیفی مبادرت به گردآوری و تحلیل یافته‌ها کرده است. فرآیند انجام این تحقیق میدانی حدود ۵ ماه طول کشیده است.

اکثر ساکنان شهرستان سردشت تا پیش از آغاز فرآیند نوسازی به کشاورزی- دامداری اشتغال داشتند و ده‌نشین بودند، هرچند گروههای کوچ‌نشین در مناطق کوهستانی به سر می‌بردند. نظام اجتماعی- سیاسی مبتنی بر نظام قبیله‌ای و ارباب رعیتی بود و مالکیت زمین عامل اساسی در قشربندی اجتماعی به شمار می‌آمد. بنابراین، پایگاه اجتماعی افراد با توجه به مالکیت زمین و نسب تعیین می‌شد.

تا پیش از فرآیند نوسازی، تمام منطقه فاقد شهر بود. اما با این حال دهکده سردشت مرکز داد و ستد بود و فرآورده‌های کشاورزی- دامی و بعضی کالاها به طور محدود مبادله می‌شد. فرآیند نوسازی به تدریج بسیاری از جنبه‌های فرهنگ و جامعه سنتی را دگرگون ساخته است. استقرار ادارات دولتی در منطقه، اجرای اصلاحات ارضی، ورود تکنولوژی نوین از جمله وسایل، ابزارها، تأسیس مدارس نوین، احداث جاده‌ها و بالاخره تبدیل دهکده سردشت به شهر سردشت باعث دگرگونی در نظام اجتماعی- سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی گردیده است. الغای نظام ارباب

\* مقاله حاضر را به دوست عزیز، دانشمند و ورزیده‌ام آقای مهدی رضائی تقدیم می‌دارم، کسی که هم بینش و هم روش اجتماعی علمی را با تمام وجود حس کرده و به کار گرفته است. مولف.

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی

- رعیتی و انتقال قدرت از ایل و قبیله به دولت، ساختار سیاسی منطقه را تغییر داده و در نتیجه سران ایلات، قدرت سنتی را از دست داده‌اند، هر چند اعضاء خانواده‌های آنها اکنون در ادارات دولتی نفوذ کرده و از موقعیتی مناسب برخوردارند. فرصت‌های شغلی جدید و دستیابی به آنها از طریق سوادآموزی نوین، باعث تحریک اجتماعی گردیده است، به طوری که پایگاه اجتماعی افراد اکنون به صورت اکتسابی است. فعالیت‌های اقتصادی متنوع گردیده است هر چند بسیاری از اهالی هنوز به کشاورزی- دامداری اشتغال دارند. به طور کلی تمام جنبه‌های زندگی مردم این سامان دچار دگرگونی شده است، با این حال بسیاری از جنبه‌های فرهنگ سنتی به ویژه در روستاها کمتر تغییر یافته‌اند.

### مقدمه

فرهنگ‌ها یا به عبارتی راه و روش زندگی جوامع انسانی همواره به دلایل گوناگون دچار دگرگونی می‌شوند. اما با این حال میزان تغییر در بین جوامع یکسان نیست. از آنجائی که چنین دگرگونی‌هایی باعث تغییرات در روابط اجتماعی بین انسانها می‌گردند، بررسی آنها امری ضروری است. از این رو جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان توجه خاصی به چنین رویدادهایی مبذول داشته‌اند. جامعه ایرانی تا حدود یک قرن پیش دارای فرهنگی دو بعدی شامل فرهنگ ایرانی- اسلامی بود. اما در اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی با اشاعه و اقتباس مدل فرهنگی غرب، به یک فرهنگ سه بُعدی ایرانی / اسلامی / غربی تبدیل شد، که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاصی نیز به دنبال داشت. در این میان، جامعه سردشت<sup>۱</sup> نیز به عنوان بخشی از جامعه ایران هم متأثر از جریان نوسازی بوده است و هم پیامدهای نوسازی را نیز تجربه کرده است. در این نوشتار ما بر آن هستیم تا به مطالعه فرآیند نوسازی و پیامدهای آن در شهرستان سردشت بپردازیم.

این مقاله درصدد است به بررسی فرآیند و پیامدهای نوسازی، تغییر و تحولات اجتماعی در شهرستان سردشت (کردستان) از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۰۰ هـ ش، بپردازد. شهرستان سردشت دارای دو بخش به نام‌های مرکزی و وزینه و ۶ دهستان و ۲۷۹ آبادی مسکونی می‌باشد و جمعیت آن نیز بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در آبان ماه ۱۳۷۵ حدود ۹۳,۱۶۸ هزار نفر بوده است (سازمان برنامه

و بودجه، ۱۳۷۵). شهرستان سردشت در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع است و ساکنان آن از کردهای سورانی می‌باشند. شهرستان سردشت نیز همانند سایر شهرهای ایران فرآیند نوسازی و از جمله اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ را تجربه کرده و متأثر از پیامدهای آن نیز بوده است. بنابراین، هدف این مقاله بررسی جریان نوسازی، تغییر و تحولات اجتماعی و پیامدهای آن در این شهرستان از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۹ هـ. ش می‌باشد.

فرهنگ و زندگی سنتی مردم شهرستان سردشت در طول هشت دهه گذشته در نتیجه فرآیند نوسازی و تغییرات اجتماعی تا حد زیادی دگرگون شده است. بر این اساس پرسشهای زیادی در زمینه‌های زیر مطرح است که در اینجا نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

- ۱- زندگی سنتی مردم سردشت به طور کلی چگونه بوده است؟
  - ۲- فرآیند نوسازی چه جنبه‌هایی از فرهنگ مردم را تغییر داده است و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این تغییرات کدامند؟
  - ۳- آیا تغییر و تحولات مذکور در شهرستان سردشت همانند سایر نقاط ایران صورت گرفته یا اینکه این روند به دلایلی در این منطقه متفاوت بوده است؟
- اهداف کلی این مقاله، بررسی ابعاد و جنبه‌های مختلف زیر در دوره زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۹ می‌باشد که عبارتند از:

- بررسی تغییر و تحولات اقتصادی (کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و غیره)
  - بررسی تغییر و تحولات صنعتی و تکنولوژیکی (تکنولوژی صنعتی، زراعی، دامی و ارتباطی)
  - بررسی تغییر و تحولات اجتماعی (خانواده، قشربندی اجتماعی و...)
  - بررسی تغییر و تحولات فرهنگی (آموزش، اعتقادات، ارزشها و...)
  - بررسی تغییر و تحولات سیاسی-سازمانی (نهادهای سیاسی، اداری و...)
- هر یک از ابعاد فوق به نوبه خود در برگیرنده جنبه‌های جزئی‌تر و مشخص‌تری است که در بخش سؤالات تحقیق به صورت جداگانه ارائه شده‌اند.
- مطالعه حاضر در سه دوره تاریخی مجزا انجام شده است که در هر کدام از این دوره‌ها تغییر و

تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی روی داده است. بر همین اساس، به تناسب شکل و چگونگی این تغییرات، هر یک از این دوره‌های سه گانه به صورت زیر نامگذاری شده است.<sup>۱</sup>

سه دوره زمانی مورد مطالعه عبارتند از:

۱- دوره زمانی اول: از سال ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰: آغاز نوسازی در ایران.

۲- دوره زمانی دوم: از سال ۱۳۲۱ - ۱۳۵۶: رکود نسبی و سپس گسترش نوسازی.

۳- دوره زمانی سوم: از سال ۱۳۵۷ - ۱۳۷۹: دوره انقلاب اسلامی و ادامه فرایند نوسازی

این مطالعه از دو جهت حائز اهمیت است. اولاً گامی است در جهت شناخت مسائل و مشکلات ناشی از فرآیند نوسازی و نیز جنبه‌های مثبت آن. ثانیاً امید بر آن است که این نوشتار از لحاظ نظری مطالب جدیدی در ارتباط با نظریه‌های تغییرات اجتماعی عرضه شود و همچنین بتواند بخشی از فرآیند و پیامدهای مرتبط با دگرگونی‌های اجتماعی در جامعه کُرد ایران را مورد بررسی و تبیین قرار دهد؛ جامعه‌ای که متأسفانه چندان (و شاید هرگز) مورد توجه علمی و جدی جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان کشور قرار نگرفته است.

## ادبیات تحقیق

### الف: مطالعات انجام شده

مطالعات مربوط به نوسازی و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آن از موضوعات مهم در جامعه‌شناسی توسعه و انسان‌شناسی فرهنگی است و ذهن دانشمندان اجتماعی را از دیرباز به خود مشغول کرده است. از این رو تحقیقات متعددی در این زمینه توسط محققین داخلی و خارجی صورت گرفته است. با این وجود مطالعات علمی جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینه وضعیت تغییر و تحولات اجتماعی در کردستان محدود می‌باشند. با توجه به این محدودیت، از مهمترین مطالعات داخلی انجام شده می‌توان به پژوهش بهاروند امان‌اللهی (۱۳۷۴) تحت «**عنوان کوچ نشینی در ایران**»، عسکری خانقاه و کمالی (۱۳۷۴) تحت عنوان «**ایرانیان تورکمن**» و در میان مطالعات خارجی نیز می‌توان به تحقیق نیکیتین (۱۳۷۸) با عنوان «**کردستان و کرد**»، مطالعه میدانی برویین

۱- لازم به ذکر است که مفهوم نوسازی در سه دوره مذکور به معنای یک سری از برنامه‌های توسعه‌ای است که در هر یک از این دوره‌ها دنبال شده است و لذا منظور از آن رویکرد نظری نوسازی نیست.

سن (۱۳۷۸) با عنوان «آقا، شیخ و دولت: ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردها»، مطالعه خانم کویونون (۲۰۰۰) تحت عنوان «جنگ نامرئی در کردستان شمالی، وضعیت بهداشت و توسعه انسانی در کردستان ترکیه»، و مطالعه خانم لاله یالکین در مورد ساختار خویشاوندی و قبیله‌ای در کردستان ترکیه اشاره کرد.

### ب: مبانی نظری

به طور کلی سه دسته نظریه در مورد بررسی و تبیین تغییر و تحولات اجتماعی وجود دارند که در اینجا اجمالاً معرفی و عنوان می‌شوند. این سه رویکرد عبارتند از:

الف: قوم‌نگاری انتقادی<sup>۱</sup>

ب: رویکرد تفسیری<sup>۲</sup>

ج: رویکرد [اثباتی] نوسازی

رویکرد قوم‌نگاری انتقادی با جهت‌گیری انتقادی به بررسی وضعیت تغییر و تحولات اجتماعی می‌پردازد. در واقع این رویکرد تلفیقی از عناصر اساسی دو پارادایم انتقادی و پارادایم تفسیری است. «قوم‌نگاری انتقادی یک روش استفاده و به کارگیری جهان‌بینی برانداز و تحول‌زا در منطق متعارف بررسی فرهنگی است. این رویکرد با جهت‌گیری قوم‌نگاری متعارف منافاتی ندارد بلکه بیشتر یک روش و سبک مستقیم‌تر اندیشه‌ورزی در مورد رابطه بین دانش، جامعه و کنش سیاسی است. مبنای نظری محوری در این رویکرد آن است که محقق می‌تواند هم علمی و هم انتقادی بیندیشد و اینکه توصیف قوم‌نگارانه ابزارهایی قدرتمند برای نقد فرهنگ و نقش تحقیق در آن ارائه دهد.» (3-Thomas1992:1).

به شیوه متفاوت از رویکرد قوم‌نگاری انتقادی، رویکرد تفسیری نه درصدد بررسی انتقادانه و کشف روابط قدرت بلکه درصدد بررسی نظام‌های معانی و میان‌ذهنیت‌های کنشگران اجتماعی است. در این رویکرد، هدف درک معنای ذهنی کردار و کنش اجتماعی از رویکرد سوژه‌های تحت مطالعه است. از این رو محقق تفسیرگرا درصدد است دریابد که انسان چطور جهان اجتماعی پیرامون خود را می‌سازد، تجربه می‌کند و تفسیر می‌نماید. درک تفاسیر مردم از محیط اجتماعی آنان باید از رویکرد

1- Critical Ethnography

2- Interpretivism

خود آنان بررسی و مطالعه شود. از نظر رویکرد تفسیرگرائی، مردم یا سوژه‌های انسانی، عاملانی خلاق، مبتکر و سازنده هستند. بنابراین شناخت و تبیین واقعیات اجتماعی، دگرگونی و پویایی‌های آن از رویکرد سوژه‌های مذکور عملی است (Neuman 2001:85).

از آنجا که در این نوشتار از دیدگاه عمومی انسان‌شناسی فرهنگی به دیدگاه مبتنی بر رویکرد تفسیری در رابطه با تغییر و تحولات اجتماعی استفاده شده است، لذا مختصراً مباحث اساسی این رویکرد در خصوص بررسی و طرز نگاه به تحولات اجتماعی ذکر می‌شود.

انسان‌شناسی فرهنگی شاخه‌ای از کنجکاوی‌های بی‌پایان در مورد موجودات انسانی است. انسان‌شناسان فرهنگی به این امر علاقمندند که فرهنگ‌ها چه وقت و کجا و چرا بر روی زمین ظاهر شدند و چطور دچار تغییرات و دگرگونی می‌شوند. این رشته هر پدیده‌ای را در قالب فرهنگ بررسی می‌کند. فرهنگ از نظر انسان‌شناسی مجموعه‌ای از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های آموخته شده تعریف می‌شود که ویژگی یک جامعه یا یک جمعیت خاصی است (Ember 1999:17-28).

از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی تغییرات اجتماعی و فرهنگی هم نتیجه عوامل درونی و هم عوامل بیرونی هستند. مکانیسم‌های درونی تغییر به نوآوری و اختراع مشهورند و مکانیسم‌های خارجی یا بیرونی تغییر شامل فرآیند اقتباس و اشاعه می‌باشند. بنابراین اشاعه فرهنگی<sup>۱</sup>، اقتباس فرهنگی<sup>۲</sup>، اختراع<sup>۳</sup> و نوآوری<sup>۴</sup>، عوامل چهارگانه داخلی و خارجی تغییرات هستند که در توسعه و نوسازی جوامع نقش اصلی و بنیادی دارند. در واقع همه تئوریهای جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی به نوعی مبتنی بر همین مکانیسم‌ها هستند. از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی، ملل مدرن با سطح بالای تکنولوژی، صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش و پرورش رسمی، حکومت‌های بوروکراتیک کارآ، اقتصاد قدرتمند مبتنی بر بازار، محاسبه دقیق زمان، تحرک رو به بالای جمعیت، تأکید بر شایستگی، تغییرات سریع، برنامه‌ریزی برای آینده و افول خانواده گسترده مشخص می‌شوند. این مشخصه‌ها در رویکرد نوسازی نیز به عنوان شاخص‌های نوسازی مطرح شده‌اند (Ferraro 1977: 327, 339 & Ember 1999:303).

- 
- 1 -Cultural Defusion
  - 2 -Cultural Borrowing
  - 3- Invention
  - 4- Innovation

از دیدگاه انسان‌شناسانی مانند رادکلیف براون و مالینوفسکی تغییر و تحول دارای دو بعد است: صورت عام و کلی<sup>۱</sup> که تفکیک می‌شود و صورت ساده‌ای<sup>۲</sup> که پیچیده می‌گردد. بر اساس این رویکرد، پیچیدگی و تفکیک تکنولوژیکی معیاری برای تمایز فرهنگ دوره توحش از فرهنگ بربریت و هر دوی این دوره‌ها از دوره تمدن بوده است. در واقع نظریه تغییر و تحول برای انسان‌شناسان اجتماعی از سوی مالینوفسکی و رادکلیف براون به ارث گذاشته شد که علاقمند بودند دریابند چگونه جوامع غیر غربی در زمان کنونی‌شان قرار گرفته‌اند و آینده آنها را چگونه پیش‌بینی کنند. این شکل از بررسی تغییرات بعدها در قالب نظریات تکاملی در رشته انسان‌شناسی و سپس در قالب نظریه نوسازی در رشته جامعه‌شناسی (که خصوصاً توسط دورکیم و پارسنز در قالب مکتب کارکردگرائی ارائه و گسترش یافت). سرلوحه کار انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفت و در دوره معاصر به صورت پیچیده‌تری عرضه شد. بنابراین دو رویکرد انسان‌شناسی و نوسازی هم از نظر خاستگاه نظری و هم به لحاظ اصول و شاخص‌های توسعه و تکامل با یکدیگر اتفاق نظر دارند (Cheater 1999: 19,27).

برخلاف رویکرد انسان‌شناسی، رویکرد نوسازی<sup>۳</sup>، جهان اجتماعی، واقعیات و سوزدهای در حال تعامل در آن را به صورتی نظام مند، از قبل تعیین شده و دارای قوانین و پویائی‌های جهان شمول و قاعده‌مند می‌داند که محقق صرفاً می‌تواند به کشف و بررسی علمی آنها بپردازد. از این رویکرد هدف محقق شناخت و کشف سنتها و قواعد حاکم بر جهان اجتماعی و اصول ثابت و منظم تغییر و تحولات اجتماعی درون آن است (Neuman 2001:45).

از آنجا که از این رویکرد در شاخص‌سازی و عملیاتی کردن عناصر اساسی و مهم تغییر و تحولات اجتماعی استفاده شده است، بنابراین به اختصار، اصول و مبانی نظری عمده آن بیان می‌شود. روبرت، اچ. لاور<sup>۴</sup> به طور کلی نظریات مربوط به دگرگونی اجتماعی را به نظریه‌های اجتماعی تاریخی دورانی (ابن‌خلدون، توین‌بی و سوروکین)، نظریه‌های اجتماعی تاریخی تکاملی (کنت، اسپنسر و دورکیم)، نظریه‌های ساختی-کارکردی (پارسنز، اسملسر)، نظریه‌های اجتماعی روانی

1- General  
2- Simple  
3- Modernization  
4- Lauer

(هیگن، مک کله‌لند) و نظریه‌های ماتریالیستی مانند (وبلن و آگبورن)، تقسیم می‌کند (Lauer 1984). مطالعات مربوط به توسعه و نوسازی به عنوان یک رشته مستقل و متمایز اساساً بعد از سال ۱۹۴۵ فزونی یافت، یعنی زمانی که متخصصین غربی به نوسازی قلمروهای استعماری خود و کشورهای مستقل تازه در حال ظهور توجه کردند (Arce and Long 2000: 5).

دیدگاه نوسازی یکی از مهمترین رویکردهای جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی است که مبتنی بر توسعه و تکامل تک خطی از جوامع ساده سنتی به پیچیده مدرن و صنعتی است (که اکثر انسان‌شناسان نیز مانند مالینفسکی و لسللی وایت به اشکال گوناگون به آن اشاره داشته‌اند). بدین ترتیب می‌توان ریشه نوسازی را در مکتب تکاملی یا تطورگرایی در انسان‌شناسی جستجو کرد. رویکرد نوسازی بر این باور است که گذار از مراحل تکاملی جوامع غربی برای سایر جوامع غیر غربی نیز لازم و جبری است. در واقع الگوی نوسازی در جامعه‌شناسی دارای اشتراکات زیادی با نظریات و آراء تطوری انسان‌شناسان اولیه است (ریویر، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۶).

رویکرد نوسازی دارای یک مجموعه مفروضات اساسی است که عبارتند از: ۱- نوسازی یک فرآیند مرحله به مرحله است. ۲- نوسازی یک فرآیند تجانس آفرین است. ۳- نوسازی یک فرآیند اروپایی شدن و آمریکایی شدن است. ۴- نوسازی یک فرآیند غیر قابل بازگشت است. ۵- نوسازی یک جریان روبه پیشرفت است. ۶- نوسازی یک فرآیند طولانی است. ۷- نوسازی فرآیندی نظام یافته است. ۸- نوسازی فرآیندی انتقال دهنده است و ۹- نوسازی فرآیندی درون‌زا است (سو، ۱۳۷۸: ۵۰-۴۸).

متفکرین و نظریه پردازان نوسازی هر کدام بر یک یا چند بعد خاص از نوسازی تأکید دارند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌گردد. از نظر ویلبرت مور مفهوم نوسازی عبارت است از «دگرگونی تام یک جامعه سنتی یا ماقبل مدرن به سمت انواعی از تکنولوژی و سازمان اجتماعی مرتبط، که جزو مختصات ملل دارای اقتصاد پیشرفته و ثروتمند و نظام سیاسی نسبتاً با ثبات غربی می‌باشد.» (Hulme and Turner 1990: 34). در همین زمینه، شاخص‌ها و معرف‌های متعددی برای بررسی و ارزیابی میزان و درجه توسعه جوامع توسط جامعه‌شناسان ارائه شده‌اند. عمده‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: صنعتی شدن، دنیاگرایی، نظام بوروکراسی، شهرنشینی و مهاجرت از شهرهای کوچک و مزارع به نواحی شهری؛ پیدایش و گسترش نظام اقتصادی مبادلاتی مبتنی بر بازار، گسترش



نهادهای اجتماعی و سازگاری آنها با دگرگونی‌های اجتماعی و توانمندی انسان در کنترل بر محیط؛ وجود حکومت کارا و موثر، توسعه تکنولوژی، آموزش مدرن و نظام دانشگاهی گسترده، وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی حمل و نقل؛ بسیج منابع انسانی در قالب مشارکت اجتماعی برای تحقق اهداف ملی؛ افزایش تحرک اجتماعی و دگرگونی در سیستم قشربندی سنتی به سمت نظام قشربندی مدرن، مشارکت مردم در امور سیاسی؛ دگرگونی در الگوهای تفکر و رفتار؛ دگرگونی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد؛ هسته‌ای شدن خانواده و افول یا تضعیف قدرت نظام خویشاوندی، تخصصی شدن مشاغل، توسعه تجارت گسترده، تغییر و دگرگونی در محیط زیست و اکولوژی (ازکیا، ۱۳۷۹: ۹۱، نودری: ۱۳۷۹: ۶۶ و سیف زاده، ۱۳۷۳: ۹۲-۹۱ و -152:199-150, Inkeles 1977:152-157, Shils 1977:100, Curry and et al 1999:50, Wood 1977:51-53; Etzioni 1964:254-269; Eiesenstadt 1966: 2-5).

### ۲۶۹: چارچوب نظری و سؤالات عمده تحقیق

در این نوشتار از رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی برای درک و شناخت منابع، پویایی‌ها و پیامدهای تغییر و تحولات اجتماعی و نوسازی استفاده شده و همزمان رویکرد نوسازی نیز جهت شاخص‌سازی و عملیاتی کردن ابعاد متفاوت تغییر مورد استفاده قرار گرفته است. همانطور که پیشتر ذکر شد در تقسیم دوره مورد مطالعه به سه دوره آغاز نوسازی، گسترش نوسازی و ادامه نوسازی، منظور از واژه نوسازی مکتب جامعه‌شناختی نوسازی نیست بلکه صرفاً مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای است که تحت این عنوان نامگذاری شده‌اند.

سؤالات عمده مورد بررسی که در واقع جنبه‌های عملیاتی و شاخص‌سازی شده اهداف چهارگانه تحقیق را شامل می‌شوند، عبارتند از:

- ۱- آیا وضعیت اقتصادی (کشاورزی-دامی) در شهرستان سردشت از حالت زراعت-دامداری معیشتی به سوی تولید تجاری و مکانیزه و مبتنی بر مبادله بازاری تحول یافته است؟
- ۲- آیا وضعیت صنعت در شهرستان سردشت از حالت کاربرد صنایع ساده سنتی به صنایع پیچیده مدرن با به کارگیری دستگاه‌های مکانیکی و فنی تغییر یافته است؟
- ۳- آیا در حوزه ترتیبات زیست محیطی، تغییراتی در سبک زندگی و معیشت مردم از حالت روستانشینی و مزرعه نشینی به سوی شهرنشینی صورت گرفته است؟
- ۴- آیا در حوزه تغییرات تکنولوژیکی، کاربرد نیروی ماشین جایگزین کاربرد نیروی انسانی و حیوانی

شده است؟

- ۵- آیا در حوزه تغییرات ارزشی، باورها و اعتقادات سنتی به ارزشها و باورهای نوین دنیایی تغییر یافته است و وابستگی به آداب و رسوم و قید و بندهای سنتی کاهش یافته است؟
- ۶- آیا در حوزه تغییرات خانواده، نظام خانواده هسته‌ای جایگزین خانواده گسترده شده و از نظارت‌های خانوادگی و خویشاوندی بر افراد (به ویژه زنان) کاسته شده است و آیا انتخاب فردی در امور زندگی و ازدواج جایگزین شده است؟
- ۷- آیا در حوزه نظام آموزشی، فرآیند و وضعیت آموزش از حالت سنتی به سمت آموزش مدرن و شاخص‌های آن حرکت کرده است؟
- ۸- آیا در حوزه بهداشت و درمان، ساختار بهداشت و درمان سنتی به صورت نظام بهداشتی درمانی مدرن و علمی درآمده است.
- ۹- آیا در حوزه تغییرات سیاسی، روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای کاهش یافته و نهادهای سیاسی رسمی و نوین جایگزین آن شده است؟
- ۱۰- آیا در حوزه تغییرات قشربندی اجتماعی، ملاک‌ها و معیارهای انتسابی و قبیله‌ای مبتنی بر قوم و خویش بازی به معیارهای اکتسابی و مبتنی بر شایستگی‌های فردی تغییر یافته است؟

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر، یک تحقیق کیفی- میدانی و نیز موردی است. در این تحقیق عمدتاً از روشهای کیفی استفاده شده است. ضمن اینکه داده‌های کمی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تکنیک‌های مورد استفاده در این بررسی عبارتند از:

الف: مشاهده مشارکتی ب: مشاهده آزاد و مستقیم ج: مصاحبه د: بررسی اسناد و مدارک و ز: استفاده از داده‌ها و اطلاعات خود محقق، چون محقق خود گرد است و ساکن شهرستان سردشت می‌باشد و سال‌هاست که با فرهنگ این مردم زندگی می‌کند.

نمونه‌های (مطالعین)<sup>۱</sup> مورد مصاحبه به شیوه نمونه‌گیری کیفی<sup>۲</sup> که بدان نمونه‌گیری

1- Informants

2- Qualitative Sampling

خردمندان<sup>۱</sup> نیز اطلاق می‌شود، انتخاب شده اند (Neuman 2001:196) و با افراد متعددی مصاحبه شده است. به علاوه به سازمان‌های دولتی ذریبط مانند ادارات کشاورزی، جهادسازندگی، آموزش و پرورش، بهداشت و دیگر سازمانهای مربوطه برای گردآوری داده‌های مورد نیاز مراجعه شده است.

### جامعه مورد مطالعه: موقعیت جغرافیایی و مختصات عمومی

شهرستان سردشت در جنوب غربی استان آذربایجان غربی قرار دارد. مساحت آن حدود ۱۶۶۰ کیلومتر مربع می‌باشد. براساس سرشماری آبان ماه ۱۳۷۵ این شهرستان دارای ۲ بخش، یک شهر، ۶ دهستان و ۲۷۹ آبادی مسکونی است. دهستان‌های شش‌گانه شهرستان سردشت عبارتند از: ۱- دهستان آلان<sup>۲</sup> - باسک کولسه<sup>۳</sup> - بریاجی<sup>۴</sup> - گورک سردشت<sup>۵</sup> - ملکاری<sup>۶</sup> - گورک نعلین<sup>۶</sup> (همان، ۳۹). باید در نظر گرفت که این دهستان‌ها براساس نام عشایر تقسیم و نامگذاری شده‌اند. مهمترین عشایر قدیمی در سردشت عبارتند از: ۱- عشیره بریاجی ۲- عشیره ملکاری ۳- عشیره آلان که از دو طایفه بایرآغایی<sup>۷</sup> و سمایل کویری<sup>۸</sup> تشکیل شده است ۴- عشیره گورک ۵- عشیره سوسنی و عشیره منگور<sup>۹</sup>، عشیره منگور چندان گسترده نبوده است و امروزه نیز خانواده‌های اندکی وابسته به این عشیره وجود دارند. شهر سردشت نیز با ۱/۴۰۶ کیلومتر مربع مساحت حدود ۱/۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و یک شهر کوهپایه‌ای و دامنه‌ای است. از نظر آب و هوایی، شهرستان سردشت در ایام تابستان معتدل و در فصل زمستان بسیار سرد است. بارش برف در زمستان و باران در فصل بهار باعث ایجاد یک پوشش گیاهی و جنگلی مناسب شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵: ۱۵).

مردم شهرستان سردشت کُرد هستند و به زبان کُردی و گویش سورانی تکلم می‌کنند. دین آنها اسلام و مذهب آنها شافعی است. شهر سردشت تا پیش از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی یک روستا بوده است. اما می‌توان گفت که از سال ۱۳۰۰ به بعد و با ایجاد اولین پادگان نظامی در دوره رضاشاه و

- 1- Purposive Sampling
- 2- Alan
- 3- Baske Kollasseh
- 4- Bariaji
- 5- Gawerk
- 6- Gawerke Naalein
- 7- Bapir Agaei
- 8- Smaila Kweri
- 9- Mangor

مرکزیت یافتن آن از نظر سیاسی و نظامی به یک شهر تبدیل گردید .

مهمترین تحول اجتماعی در حوالی سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، تخریب و ویرانی سردشت و غارت نواحی روستایی مجاور سردشت توسط عشایر پزدری<sup>۱</sup> عراق که به میر آودلی<sup>۲</sup> موسوم بوده‌اند است. با توجه به اظهارات مصاحبه شونده‌گان در این دوره سردشت دارای حدود ۳۰۰ خانوار بوده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که جمعیت شهری سردشت نیز حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ هزار نفر بوده است.

### جامعه سنتی سردشت و دوره آغاز نوسازی (۱۳۲۰-۱۳۰۰)

فرآیندها و برنامه‌های نوسازی به صورت رسمی و در قالب یک مجموعه برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از دوره سلطنت رضاشاه پهلوی آغاز شده است. برخی صاحب‌نظران مانند کاتوزیان و دیگران این دوره را ورود ایران به عصر ایران نوین می‌خوانند. برنامه‌ها و پروژه‌های دوره پهلوی اول، نه با آغوش باز از سوی اکثریت اقشار و بخش‌های جامعه ایران پذیرفته شدند و نه پیامدهای آنها نیز بر همه بخش‌ها و مناطق ایران یکسان بوده است. این برنامه‌ها و اقدامات ضمن اینکه صورت‌بندی اجتماعی عمومی ایران آن روزگار را تغییر داد، مخالفت‌های قومی-قبیله‌ای و شهری نیز در برداشت جامعه ایران آن دوره جامعه‌ای سنتی و ترکیبی از قبایل و عشایر گوناگونی بود که در نواحی روستایی و عشایری زندگی می‌کردند. بنابراین جامعه سنتی ایران مخصوصاً اقوام و عشایر در برابر آن، مقاومت‌های کمابیش فراوان، شدید و متفاوتی داشته‌اند.

در این دوره جامعه سنتی کردستان نیز فرآیندها و برنامه‌های نوسازی دوره رضاشاه را تجربه کرد و واکنش‌هایی در برابر آن انجام داد. اما همانطور که اکیداً عنوان می‌شود، تأثیرات این برنامه‌ها بر کردستان ایران به صورت محدودتر و ضعیف‌تر عمل کرده است. بنابراین پیامدهای اجتماعی گوناگون این دوره در شهرستان سردشت به عنوان نمونه‌ای از جامعه کردستان، با دیگر بخش‌های ایران مانند شهرها و مناطق بزرگتر و مهمتر اصولاً قابل مقایسه نیست. فرآیندها و برنامه‌های نوسازی رضاشاه که به دوره سرمایه‌داری وابسته نیز موسوم شده است، دارای اصول و سیاست‌هایی بود که هر کدام پیامد خاص خود را داشت. ورود عناصر و فرآیندهای نوسازی به جامعه گردنشین سردشت زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنها را به شدت تحت تأثیر قرار داد؛ روابط اجتماعی و

1- Pejdari

2- Mirawdali

اقتصادی کلان آن جامعه را تا اندازه‌ای دگرگون ساخت و در عین حال پیشرفت‌هایی نسبی در سطوح متفاوت زندگی مردم نیز پدید آورد. اما این پیامدها در دوره پهلوی دوم گسترده‌تر و عینی‌تر است. لذا با توجه به اهمیت این بحث ضمن برشمردن برخی اصول و سیاست‌های پروژه نوسازی در دوره پهلوی اول، به تشریح و بررسی وضعیت جامعه سنتی سردشت آن دوره پرداخته می‌شود.

برنامه‌ها و سیاست‌های بنیادی رضاشاه در قالب پروژه غربی نوسازی عبارت بودند از:

۱- ایجاد ارتش نوین ۲- نظام وظیفه اجباری و سربازگیری ۳- گسترش دیوان سالاری ۴- اسکان عشایر ۵- گسترش لباس رسمی و کشف حجاب ۶- صنعتی کردن جامعه ایران ۷- گسترش آموزش نوین. موارد فوق از مهمترین اقدامات رضاشاه بودند. در دوره وی در بخش کشاورزی اصلاحات خاصی صورت نگرفت. دهقانان از حداقل معیشت برخوردار بودند و بخش شبان‌کاری نیز در جریان اسکان عشایر نابود شده بود. بنابراین سطح زندگی مردم روستایی از نظر تغذیه، آموزش و بهداشت بسیار پایین بود. روابط فئودالی به همان قوت خود باقی ماند و تقسیم محصولات به عنوان اساس زندگی روستایی به همان نسبت قرون وسطائی عوامل پنجگانه، کشاورزان و رعایا را به مانند بردگانی محروم درآورده بود. بنابراین اقدامات اساسی خاصی در زمینه‌های اجتماعی نیز صورت نگرفت (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۲۴؛ فوران، ۱۳۷۸: ۳۲۰ و ۳۴۳؛ گرانوسکی، ۱۳۶۴: ۴۵۹؛ امان‌اللهی، ۱۳۷۴: ۲۴۳؛ احمدی، ۱۳۷۸: ۳۵۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۱-۱۷۲؛ همبلی، ۱۳۷۲: ۴۳).

جامعه عمومی کردستان نیز به عنوان بخشی از جامعه کلی ایران از این اقدامات و اصلاحات تأثیر پذیرفته است. اما همانطور که مطالعه موردی حاضر نشان خواهد داد، این تأثیرات و پیامدها چندان در خور توجه نیستند. جامعه کردستان سرآغاز دوره نوسازی به طور کلی دارای ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی بوده است. اقتصاد مبتنی بر کشاورزی - دامداری و تا اندازه‌ای تجارت و صنعت، نظام اجتماعی مبتنی بر فئودالیسم در مناطق روستائی، و به لحاظ فرهنگی، بی‌سوادی قشر عظیمی از مردم، شهرنشینی محدود و همچنین محدود بودن فعالیت‌های صنعتی و تجاری از مشخصه‌های عمده کردستان ایران بوده است. بر همین اساس در این دوره، جامعه عمومی سردشت نیز به صورت سنتی باقی ماند. دوره آغاز نوسازی در ایران که با اقدامات رضاشاه آغاز شد، مصادف با دوره پیش از نوسازی در سردشت است. در این بخش از مقاله سعی می‌شود به صورت کلی به وضعیت اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی، و سیاسی جامعه سردشت در دوره آغاز نوسازی پرداخته شود.

در دوره اول یعنی دوره آغاز نوسازی، از نظر اقتصادی، سه سبک معیشت اقتصادی در شهرستان سردشت وجود داشته است که عبارت بودند از: دامداری- صنایع دستی، کشاورزی سطحی و تجارت خرده‌پا. قدیمی‌ترین سبک زندگی اقتصادی در نواحی متفاوت سردشت مخصوصاً گورک نعلین، ملکاری و آلان دامداری و شبان‌کاری بوده است؛ در عین حال مردم منطقه به کشاورزی سطحی کم عمق نیز پرداخته‌اند. دامداری به عنوان یکی از شیوه‌های معیشتی مسلط حتی بر شکل خانه‌سازی و تنظیم فضای منزل به صورت فضایی برای انسان و دام و نیز همکاری و همیاری در روابط اجتماعی مانند پرداخت مبلغ و یا اجناسی در ازای کرایه کردن و استخدام کردن چوپان و یا در مواردی انجام عملیات شبانی بصورت نوبتی تأثیر بسیار زیادی داشته است. اما با توجه به اینکه وضعیت اقلیمی و جغرافیایی سردشت کوهستانی، سرسبز و یک‌دست بوده است، بنابراین کوچ‌های عمودی و کوتاه مدت از مشخصات آن است و نیازی به کوچ‌های بلند مدت و افقی وجود نداشته است. دامداری به تفکیک نواحی جغرافیای سردشت متفاوت بوده است. در مناطق باسک کوله سه، حوزه زاب و بریاجی، کشاورزی سطحی در کنار دامداری و در مناطق ملکاری، گورک نعلین و تا حدی دهستان آلان، دامداری شکل غالب‌تر زندگی اقتصادی بوده است. صنایع دستی نیز به عنوان یک سبک معیشتی مکملی مبتنی بر ساخت و تولید فرآورده‌های دامی مانند جاجیم- گلیم، فرش و پارچه‌های مورد نیاز پوشاک در امتداد با کشاورزی قرار داشته است.

در دوره زمانی ۱۳۲۰-۱۳۰۰، کشاورزی سطحی یکی از ابعاد مهم فعالیت اقتصادی بوده است. منظور از کشاورزی سطحی نوعی زراعت مبتنی بر شخم کم عمق زمین و تلفات زراعی ناشی از آن است. بدون وجود تکنولوژی شخم مناسب و با استفاده از خیش‌های حیوانی که قادر به شخم عمیق زمین نبودند، غلات به اندازه کافی رشد نمی‌کردند و بیشتر طعمه پرندگان شده و یا در معرض شستشوی باران قرار داشتند. دو نوع شیوه مالکیت اراضی زراعی در سردشت مرسوم بوده است که عبارت بودند از کشاورزی مبتنی بر روابط ارباب و رعیتی که شیوه مسلط بوده است و بهره‌برداری خرده مالکی که در قسمت غربی و شرقی رودخانه زاب کوچک قرار داشته‌اند. محصولات عمده نیز ارزن، جو، نخود و تا حد بسیار اندکی گندم که از منابع کمیاب غله به شمار می‌رفته است. زمین با

استفاده از گاو (و گاهی اسب یا الاغ!!) شخم زده می‌شد و توسط نیروی انسانی و یا حیوانی حمل و نقل می‌گردید. زمان مورد نیاز برای برداشت محصول به دلیل فقدان تکنولوژی ممکن بود تا گذشت ماهی از پائیز طول کشیده و حتی قسمتی از محصول در معرض باران تلف می‌شود.

براساس داده‌های بدست آمده سه نوع شیوه تقسیم محصول بین مالک و زارع وجود داشته است، که عبارت بودند از: خرده مالکی، نیمه کاری، سه یک بری (و حتی در برخی موارد چهار یک بری). شیوه‌های نیمه کاری و سه یک بری تحت عنوان کلی «سپانی» خوانده می‌شوند که معادل آن در زبان فارسی «مزارعه» است. بر اساس روش نیمه کاری محصول به صورت نصف به نصف بین مالک و زارع و بر اساس شیوه یک بری محصول به صورت یک سوم متعلق به زارع و دو سوم متعلق به ارباب تقسیم می‌شده است. در شیوه‌های نیمه کاری و سه یک بری زارع باید با مالک یا حتی با زارع خرده مالک به صورت شفاهی یا کتبی قرار داد عقد نماید. اما به موجب این قرار داد، وی هرگز صاحب نسق نمی‌شد و ارباب می‌توانست وی را از آبادگی بیرون کند. در این صورت رعیت ممکن بود هر سال روی اراضی ارباب روستای دیگری کار کند؛ بنابراین در سردهشت زارع صاحب نسق به عنوان کسی که دارای زمین نبوده اما حق استفاده هر ساله از زمین ارباب داشته باشد، یا به عبارت دیگر حق آب و گل داشته باشد، وجود نداشته است. برعکس در شیوه خرده مالکی، زارع دارای اراضی شخصی خود بود، اما هر ساله هنگام برداشت محصول باید یک دهم کل محصول در واحد تنکه و نیز دیگر مالیاتهایی که رعایا باید می‌پرداختند، به ارباب تقدیم می‌کرد.

این سبک اقتصادی و معیشتی به نوعی، پیامدها، روابط و تعاملات اجتماعی خاصی را ایجاد می‌کرد و مخصوصاً باعث پیدایش روابط ارباب و رعیتی خشنی می‌شد که مستلزم پرداخت برخی اقلام و خراج از سوی زارع (رعیت و نیز زارع خرده مالک) به مالک (ارباب) بود. این اقلام عبارت بودند از:

۱- سهم یک دهم محصول به صورت سالانه در واحد تنکه<sup>۱</sup> از طرف خرده مالک<sup>۲</sup> به ارباب روستا

1- Tanaka: تنکه همان حلبی ۱۶ کیلوئی (روغن نباتی) است که به عنوان واحد شمارش غلات به کار می‌رفته است و هنوز هم در بسیاری از مناطق کردستان به کار می‌رود.

2- در آن دوره، حتی زارعانی که دارای زمینهای زراعی مستقل بوده و در خدمت ارباب هم نبودند باید سهم مذکور را اجباراً می‌پرداختند.

(گندم، جو، نخود و غیره).

۲- سهم یک چهلیم دام: این سهم نیز سالیانه بود و زارع (رعیت) باید یک چهلیم دام‌های گوسفند، بز و گاو را به ارباب تقدیم می‌کرد.

۳- مخته<sup>۱</sup>: مالیات جنسی شامل چند کیلو روغن حیوانی و چند مرغ و جوجه اهلی، چند کیلو عسل که زارع باید هر سال می‌پرداخت و مقدار آن نیز تغییر کرده است.

۴- مکات<sup>۲</sup>: مقداری غله در واحد تنکه (گندم و...) که هر ساله هنگام برداشت محصول باید به مباشر ارباب پرداخت می‌شد.

۵- پیشکشی<sup>۳</sup>: مبلغی پول حدود ۵۰ تا ۱۰۰ تومان که خانواده داماد، هنگام عروسی به عنوان هدیه اجباری می‌پرداختند. این عوارض تحت عنوان هدیه سورانه برای کسب اجازه جهت ازدواج پرداخته می‌شده است.

۶- مرتعانه<sup>۴</sup>: مبلغی پول یا اقلام جنسی در ازای استفاده از مراتع ارباب توسط رعایا و یا اربابان روستاهای مجاور.

۷- بیگاری<sup>۵</sup>: کار تولیدی و خدماتی (به مدت یک هفته در طول فصل کاری سال) زارعین برای ارباب به صورت اجباری و با هزینه شخصی و حتی امکانات خود آنها به گونه‌ای که باید نهار خود را نیز خودشان تهیه می‌کردند. در غیر این صورت تمام روز را گرسنه می‌ماندند و حق بازگشت به خانه جهت صرف نهار و یا خوردن آب را نیز نداشتند.

باید در نظر داشت که رابطه اقتصادی اجتماعی ارباب و رعیت به همین جا ختم نمی‌شد بلکه رعیت باید غذا، مسکن و پذیرایی از مهمانان ارباب را نیز به عهده می‌گرفتند.

جدای از روابط فوق، رعایا و مردم عادی در بین خود دارای تعاملات و همیاری‌های زیادی بوده‌اند. محدودیت‌های تکنولوژیکی (فقدان ابزار و فنون مدرن زراعی) و نیز مشکلات اکولوژیکی (ناهموار بودن و کوهستانی بودن قسمت عمده‌ای از اراضی زراعی) باعث گسترش این همیاری

1- Makhta  
2- Makat  
3- Peshkeshi  
4- Martaane  
5- Begari



می‌شده است. این همیاری‌ها عبارت بودند از:

دست‌او<sup>۱</sup>: یعنی کمک در امور متفاوت کاشت، داشت و برداشت محصول بصورت نوبتی؛ هر روز<sup>۲</sup>: همکاری اهالی روستا با یک یا چند خانوار ضعیف و نیازمند یا زارعینی که ممکن بود عملیات کشاورزی آنها به تاخیر افتاده و از بقیه اهالی عقب بمانند؛ چوپانی (گاوانی<sup>۳</sup>) و شبانی (شوانی<sup>۴</sup>): همکاری در چرای دام‌ها توسط کودکان و جوانان روستا به صورت روزانه و نوبتی (نوره<sup>۵</sup>) یا استخدام چوپان در آبادی.

نبود امکانات و نیروی انسانی و حیوانی کافی و طولانی بودن عملیات زراعی ناشی از آن مردم را وادار می‌کرد با یکدیگر به همیاری متقابل در اشکال مختلف پردازند. همیاری اهالی روستاها نه صرفاً در ابعاد اقتصادی بلکه در زمینه امور اجتماعی از قبیل مراسمات ختم و یا عروسی نیز وجود داشت که بر اساس آن اهالی روستا به پذیرایی از مهمان‌ها در منزل خود و یا مسجد روستا می‌پرداختند و هر خانواده‌ای در موعد مقتضی اقدام به جبران کمکهای اهالی می‌کرد.

سردشت دوره سنتی به قدری تحت تأثیر روابط اقتصادی-اجتماعی ناشی از نظام ارباب و رعیتی قرار داشت که قشربندی اجتماعی<sup>۶</sup> آن نیز آشکارا بیانگر همین روابط است. ملاک‌های قشربندی جامعه سردشت مانند بسیاری از جوامع سنتی دیگر مبتنی بر مالکیت آب، زمین و نسب بود که شاخص قشربندی نواحی روستایی ایران آن دوره است. در واقع دسترسی به این ملاک‌ها عامل تعیین قشربندی اجتماعی بوده است. محقق، قشربندی جامعه سردشت سنتی را این‌گونه بازسازی کرده است:

الف) مزن<sup>۷</sup>: این واژه در زبان کُردی معادل «سر کرده و با عظمت» است. مزنها، اربابان یا خان‌هایی بودند که ریاست دیگر اربابان طوایف را برعهده داشتند.

ب) آغا<sup>۸</sup> (ارباب): دومین قشر قدرتمند است که ممکن بود صاحب یک آبادی یا چند آبادی باشد.

ج) کویخا<sup>۱</sup> (مباشر): کسی است که مستقیماً توسط ارباب انتخاب می‌شد و در نبود ارباب به امور

1- Dastawaw

2- Harawaz

3- Gawani

4- Shwani

5- Nora

6- Social Stratification

7- Mazen

8- Agha

روستا رسیدگی می‌کرد و به «ظلم و ستم بدتر از ازباب» شهرت داشت. (د) ملا<sup>۲</sup> (روحانی): بدلیل سنتی بودن جامعه سردشت، آموزش و قضاوت در دست این قشر بود که نفوذ زیادی نیز بر مردم روستا داشتند. روحانیون روستاها توسط ارباب روستا انتخاب می‌شدند. (ه) جوت بنده<sup>۳</sup>: به رعیتی می‌گویند که دارای آب و زمین نیست اما از آب و زمین ارباب استفاده می‌کرد. این واژه معادل واژه زارع صاحب نسق است. (و) رشایی<sup>۴</sup> (با فتحه ر): خوش‌نشینان هستند. یعنی کلیه افرادی که در روستا دارای آب و زمین نبوده و به فعالیت‌هایی مانند کارگری، نجاری، آرایشگری و غیره می‌پرداختند.

در جامعه سنتی سردشت شخصی به نام گاوبند وجود نداشته است و به دلیل وجود آب کافی بنه هرگز به وجود نیامده است. نظام اقتصادی و اجتماعی سردشت دوره سنتی مبتنی بر همان تقسیم کار مبتنی بر سن و جنس بوده است که بر اساس آن زنان به امور داخل منزل و همچنین انجام کارهای خدماتی در فصول زراعی، مردان به امور بیرون از منزل، کودکان به انجام کارهای سبک و جوانان به انجام کارهای سخت‌تر می‌پرداختند.

جامعه سردشت نه تنها در ابعاد اقتصادی و روابط اجتماعی سنتی بوده است بلکه مردم این منطقه چه در نواحی روستایی و چه سردشت (که هنوز در آن زمان دهکده‌ای بیش نبوده است)، بی‌سواد بوده‌اند. هیچگونه مدرسه و آموزشگاهی وجود نداشته است. امور آموزشی و قضاوت به روحانیونی واگذار شده بود که به تدریس علوم دینی سنتی می‌پرداختند. نخستین مدرسه در سردشت در سال ۱۳۱۰ تاسیس شده بود که حدود ۲۵ تا ۳۰ نفر دانش‌آموز داشته است. معمولاً در هر روستایی روحانیون به تربیت چند تن طلبه (در زبان کردی، فقه<sup>۵</sup>) می‌پرداختند. روحانیون، مدرس، قاضی و نیز ادیب و شاعر بوده‌اند که ساختار آموزشی آن دوره را کاملاً در دست داشته و به شدت تحت تسلط اربابان روستا قرار داشته‌اند. وضعیت اعتقادی مردم بسیار جالب توجه بوده است. باور داشتهای مذهبی، مراسمات و اعیاد مذهبی (شامل اعیاد قربان و مخصوصاً رمضان) از جایگاه خاصی برخوردار بوده

1- Kwekha  
2- Mala  
3- Joot Bandah  
4- Rashaei  
5- Faghe

است. طلبه‌های تربیت شده بعد از چند سال تحصیل در مساجد نزد روحانیون مشهورتر، به درجه ملائی رسیده و امور دینی روستاها را در دست می‌گرفتند. روحانیون کلیه امور دینی و مراسمات مذهبی را در دست داشتند. به علاوه اعتقاد مردم به زیارتگاه‌های مقدس نه تنها دارای جنبه اعتقادی بود بلکه بر طب و پزشکی سنتی نیز موثر بود. مردم منطقه بر این باور بوده‌اند که هر کدام از مقابر و زیارتگاه‌های منسوب به افراد یا صحابه مقدس، قادر به شفای نوع خاصی از بیماری و یا نازایی هستند و هر بیمار بخصوص برای شفای خود متوسل به یک یا چند تا از این مقابر می‌شد و یا از سید یا روحانی بزرگ روستا یا روستای دیگری (که البته تعداد آنها نیز اندک بود)، درخواست دعای نوشته شده می‌کردند. در امتداد با این نوع خاص از طب، طب سنتی گیاهی نیز تا حد زیادی مرسوم بوده است.

در همین زمینه در حوزه نظام اجتماعی، خانواده رکن اساسی جامعه و نیز واحد تولید اقتصادی بوده است. ازدواج نه به معنای عاطفی آن بلکه مبنایی به عنوان عامل پیوند دهنده بین خانواده‌ها، طوایف و نیز پایان دادن به خشونت‌ها و مسایل خانوادگی و قبیله‌ای بوده است. ازدواج‌ها عمدتاً از نوع تنظیم شده و اجباری - مصلحتی بودند که منافع زوجین در آن چندان مد نظر نبوده است. تحقیقات نشان داد که چند نوع ازدواج در آن دوره رایج بوده است که عبارت بودند از:

- ۱- شیوه ربایشی (ره‌دو و که‌وتن)<sup>۱</sup>: که در آن دختر توسط پسر، با قرار قبلی، ربوده می‌شد.
- ۲- ازدواج مبادله‌ای (زن به زن): که در مقابل گرفتن یک زن، طرف مقابل نیز یک زن می‌داد، حال ممکن بود که این زن الزاماً خواهر داماد نباشد و مثلاً دختر عمویش باشد.
- ۳- مبادله کوچک به بزرگ: که در آن، زن و مرد از کودکی، برای یکدیگر در نظر گرفته می‌شدند و یا دختر کوچکی از همان اوان برای پسر بزرگتری در نظر گرفته می‌شد.
- ۴- ازدواج معمولی: که به صورت مراحل خواستگاری، شیرینی خوران، عقد و ازدواج انجام می‌شده است.

در همین زمینه ذکر این نکته مهم لازم است که به دلیل ازدواج‌های اجباری در صورت امکان و لو علی‌رغم داشتن چند کودک، زن با مرد مورد علاقه (حتی پس از گذشت سالهای متمادی) اقدام به فرار می‌کرد که گاه با پا در میانی کدخدای حل و فصل می‌شد. اما معمولاً در اکثر موارد به مرگ یک

طرف یا طرفین می‌انجامید. شواهد زیادی در این زمینه وجود دارند. مراسم ازدواج نه به صورت کتبی بلکه به صورت شفاهی در حضور چند شاهد انجام می‌شد، به همین ترتیب طلاق نیز در حضور سه شاهد و به صورت شفاهی انجام می‌گرفت.

در سردشت (۱۳۲۰-۱۳۰۰) که هنوز یک دهکده نسبتاً بزرگ بوده است، صنعت و تجارت قابل ذکر و خاصی وجود نداشته است. کالاهای تجاری شامل کالاهایی بود که در سردشت موجود نبوده است. گندم و نمک جزو مهمترین و کمیاب‌ترین این کالاها بوده‌اند که مردم با مراجعه به شهرهای مهاباد، بوکان، ارومیه، میاندوآب و با استفاده از اسب و الاغ آنها را تامین می‌کردند. به دلیل کمبود پول نقد، مردم برای مبادله کالاهایی مانند زغال چوب، فرآورده‌های دامی و زراعی را در ازای کالاها مبادله می‌کردند. همچنین به دلیل طولانی بودن سفر و ناامنی جاده‌ها، افراد به صورت گروهی حرکت می‌کردند.

جامعه سنتی سردشت به شدت بر مناسک، تشریفات و نمادهای فرهنگی خود تأکید داشته است. از پوشش کُردی زنانه و مردانه استفاده می‌شد و انواع لباس کُردی را که البته مواد اولیه آن بیشتر از فرآورده‌های دامی شامل پشم و پوست گوسفند و بز تهیه می‌شد، فراهم می‌کردند. در همین زمینه وضعیت تغذیه مردم و مواد خوراکی نیز برگرفته از فرآورده‌های زراعی- دامی و نیز گیاهان کوهستانی بوده است که طیف وسیعی از گیاهان بومی کوهستانی بهاری را شامل می‌شد. بیشتر این گیاهان همراه با محصولات جالیزی برای مصرف در زمستان خشک شده و ذخیره می‌شدند. جامعه سنتی سردشت همانطور که از مباحث فوق برمی‌آید چندان از دوره آغاز نوسازی رضاشاه متأثر نشد. در برخی جهات اقدامات رضاشاه پیامدهای وخیمی به دنبال داشت. به دنبال تصویب و اجرای قانون خدمت سربازی اجباری و نیز رسمی کردن لباس و کشف حجاب، دو رویداد مهم سیاسی و شورش محلی در سردشت رخ دادند که فضای سیاسی و نظامی منطقه سردشت را دچار آشفتگی کرد. در سال ۱۳۰۷ یکی از منتقدان مذهبی به نام ملا خلیل علیه رسمی کردن لباس و کلاه پهلوی و مخصوصاً اهانت به پوشش محلی کُردی و فشارهایی که مأمورین جهت تغییر لباس کُردی بر مردم وارد کردند، دست به شورش زد که در نهایت شکست خورد. اما مورد عفو رضاشاه قرار گرفت. به همین ترتیب در سال ۱۳۱۸ نیز در پی اقدام دولت به سربازگیری در منطقه سردشت، شخصی از اهالی

«روستای قلعه رش<sup>۱</sup>» به نام «امر حمه سور<sup>۲</sup>» یا «امر پاشا<sup>۳</sup>» با بسیج جوانان روستایی اقدام به مبارزه مسلحانه با نیروهای محلی ژاندارمری کرد؛ اما پس از سه ماه مقاومت شکست خورد و وی به عراق گریخت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. اما مورد تعقیب دولت قرار نگرفت. این دو شورش محلی از مهمترین رویدادهای سیاسی سردشت در دوره آغاز نوسازی هستند.

به طور کلی در اواخر دوره ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، مهمترین تحولاتی که در سردشت توسط رضاشاه ایجاد شدند، عبارت بودند از: احداث جاده سردشت- مهاباد، ایجاد پادگان نظامی در داخل شهر، برقراری نسبی امنیت در جاده‌ها و روستاها و تاسیس یک واحد مدرسه در سال ۱۳۱۰ در داخل شهر. بنابراین همانطور که گفته شد در دوره آغاز نوسازی چهره سنتی سردشت چندان تغییر نکرد بلکه صرفاً در اواخر دوره رضاشاه و سلطنت محمد رضا شاه، که آن را دوره گسترش نوسازی نامیده‌اند، تحولات گسترده و ژرفی رخ دادند که از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشند.

### سردشت در دوره گسترش نوسازی (۱۳۵۷-۱۳۲۰)

دوره محمد رضا شاه به عنوان دوره گسترش نوسازی در ایران و سپس در کردستان تأثیرات و پیامدهای متعددی به دنبال داشته است. در این دوره نیز برخی اقدامات مرتبط با نوسازی صورت گرفتند که اهم آنها عبارت بودند:

انقلاب سفید که بندهای مهم آن عبارت بودند از اصلاحات ارضی، ملی کردن مراتع و جنگل‌ها، اصلاح قانون انتخابات، عرضه سهام انحصارات دولتی به مردم، سهم شدن کارگران در سود کارخانجات و ایجاد سپاه دانش در روستاها. در این زمینه اصلاحات ارضی که در سه مرحله از سال ۱۳۵۳-۱۳۴۱ انجام گرفت و نیز ملی کردن مراتع در سال ۱۳۴۶ تأثیر بیشتری بر جامعه روستایی و شهری سردشت گذاشتند (لمبتون، ۱۳۴۵: ۳۳۱-۳۳۲؛ امان‌اللهی، ۱۳۷۴: ۲۴۷ و ۲۴۸؛ لهسانی زاده، ۱۳۶۸: ۱۶۷ و ۱۷۳؛ فوران، ۱۳۷۸: ۴۸۱-۴۸۲).

با اجرای سیاستهای اصلاحات ارضی، نظام اقتصادی مبتنی بر کشاورزی و دامداری کردستان سردشت یکسره تغییر کرد. اصلاحات ارضی باعث شد نظام ارباب و رعیتی در برخی مناطق از پای

1- Ghaalae Rash  
2- Amar Ama Soor  
3- Amar Pasha

درآمده و در برخی مناطق دیگر به شدت تضعیف شود. بدین ترتیب که اراضی کشاورزی در همه جای سردشت به طور مناسب تقسیم نگردید. در برخی نواحی سردشت -مانند گورک- خوانین به سرعت زمین‌هایشان را تقسیم کردند. در حالیکه در نواحی دیگری مانند منطقه سوسنی، اربابان با تهدید و تطمیع از تقسیم بسیاری از اراضی خود طفره رفتند. همچنین در برخی روستاهای سردشت، مانند بخش سوسنی، رعایا و زارعین بر این باور بودند که تقسیم اراضی ارباب در میان مردم حرام و غیر شرعی است. برخی دیگر نیز از ترس دشمنی با اربابان یا پرداخت عوارض به دولت از دریافت زمین خودداری کردند. از دید ساکنان منطقه اصلاحات ارضی علی‌رغم انتقادات وارده بر آن به عنوان یک برنامه سیاسی، مزایای متعددی به دنبال داشت که مهمترین آن رهایی از ستم فئودال‌ها و ایجاد استقلال و امنیت مالی و جانی زارعان بوده است. هر چند که بنا به گفته برخی افراد اصلاحات ارضی با نابودی بزرگ مالکی به نابودی واحدهای بهره‌برداری زارعی گسترده انجامید و میزان تولید را کاهش داد. ساکنان و افراد مورد مصاحبه بر این باور بودند که بعد بسیار مهم اصلاحات ارضی ایجاد فضای اجتماعی آزادی بود که در آن فرزندان رعایا هم می‌توانستند به سواد و آموزش پردازند و پیشرفت کنند.

ملی کردن مراتع برای جامعه دامدار سردشت (نواحی گورک نعلین و آلان) باعث نابودی تدریجی نظام دامداری سنتی و محدودیت در چرای دام‌ها و ذخیره علوفه برای ایام سرد سال شد. هر چند که دامداری بطور سنتی در قالب رمه‌های کوچک و بزرگ تا حد محدودی به بقای خود ادامه داد، اما در هر صورت قابل مقایسه با دوره‌های قبلی نیست. ملی کردن مراتع به نظر مردم، آنها را با دوست دیرینه خود یعنی طبیعت به دشمن تبدیل کرد. امروزه دامداری در برخی نواحی سردشت هنوز بصورت کما بیش محدود در قالب چند راس گاو، گوسفند و بز به حیات خود ادامه می‌دهد. زارعین دامدار و یا حتی دامدارانی که به خاطر محدودیت پرورش و چرای دام‌هایشان در مراتع به خاطر محدودیت‌های دولتی دچار مشکل هستند و از طرف دیگر به دلیل کوهستانی بودن منطقه، زمین کافی نیز در اختیار ندارند، به تخریب و ریشه کنی جنگل‌ها و درختان بلوط روی آورده و اینگونه اقتصاد از دست‌رفته خود را جبران می‌کنند.

در حوزه روابط اجتماعی به دنبال نابودی تدریجی نظام ارباب رعیتی و پیدایش شیوه کشاورزی

خرده مالکی و دهقانی مستقل، دیگر اثر چندانی از روابط ارباب و رعیتی و بنابراین قشربندی اجتماعی سنتی مبتنی بر مالکیت زمین، آب و نسب به جای نماند. هر چند که بقایای فنودالیسم به گونه‌های دیگری باز تولید می‌شد، اما قشربندی اجتماعی به طور چشمگیری دگرگون شد. بدین معنی که قشر مزین، آغا و مباشر وی قدرت خود را رسماً از دست دادند. با این وجود، روابط متقابل و همیاری بین زارعین و مردم روستا چه برای امور زراعی (دستاو، هروز) و چه امور دامی (چوپانی- شبانی) به حیات خود کاملاً ادامه دادند و هنوز هم مردم به این همیاری‌ها پایبند هستند. شیوه‌های بهره‌برداری نیمه کاری و سه یک بری به جای ماندند با این تفاوت که مالک این بار، هم می‌توانست یک ارباب دارای زمین باشد و هم یک زارع زمیندار که از اصلاحات ارضی، زمین دریافت کرده است. در برخی نواحی روستایی (تقریباً در اکثریت مناطق سردشت)، رعایای قبل از اصلاحات ارضی هنوز مجبور به پرداخت سهم سالیانه مالکانه دو دهم محصول در واحد تنکه به ارباب بودند و ارباب‌ها از طریق نفوذ در ادارات و نظام بوروکراتیک نوین به باز تولید قدرت سنتی خود پرداختند. در این دوره، با تاسیس اداره شهرداری در سال ۱۳۲۹ و فرمانداری در سال ۱۳۴۶، سردشت کم‌کم در حال گسترش و تبدیل شدن به یک شهر بوده است. بنابراین سبک سوم معیشتی یعنی تجارت، مبادله و صنعت تدریجاً به ظهور می‌رسند و ساختار سنتی اقتصادی را تا اندازه‌ای پیچیده‌تر و تفکیک یافته‌تر می‌سازند.

یکی از مهمترین تغییرات در این دوره زمانی در سردشت، توسعه و گسترش نظام آموزشی است. در خلال سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۲ با توجه فزاینده دولت به امر آموزش، مدارس متعددی در سطح شهرستان ایجاد شدند و بنابراین آموزش‌های سنتی-دینی و نیز نظام قضائی سنتی کنار گذارده شدند. در شهر سردشت حدود ۱۴ مدرسه تاسیس شده و حدود ۱۰ درصد کل مردم با سواد شدند. بدیهی است میزان سواد در نواحی شهری در بین مردان بیشتر از نواحی روستایی و در بین زنان بوده است. در فاصله سالهای ۱۳۵۷-۱۳۲۰ حدود ۱۲۲ مدرسه در کل سردشت و نواحی روستایی آن ایجاد شدند. مردم به تحصیل روی آوردند و سقوط نظام ارباب و رعیتی که فرزندان رعایا را از تحصیل باز می‌داشت به گسترش سوادآموزی نوین کمک شایانی نمود. بنابراین پیدایش طبقه متوسط کارمندان اداری و تحصیل کرده در سردشت از پیامدهای مثبت تحولات آموزشی بود.

بر همین اساس وضعیت بهداشت و درمان نیز متحول شد. اما این تحول چندان چشمگیر نبوده است

و به وجود چند پزشک که در پادگان نظامی سردشت مشغول خدمت بوده‌اند محدود می‌شد. طب سنتی و مبتنی بر اعتقادات مذهبی همچنان مورد توجه مردم بود. بنابراین کمبود امکانات بهداشتی منجر به بیماری‌ها و مرگ و میرهای زیادی می‌شد که در اینجا لازم به توضیح نیست. بیماری‌های لاعلاج به آسانی مردم را به کام مرگ می‌فرستاد.

گرچه شهرستان سردشت مخصوصاً از طریق اصلاحات ارضی و نیز گسترش آموزش، تغییر و تحولات مثبت زیادی را در دوره گسترش نوسازی تجربه کرد اما در برخی جهات نظیر بهداشت، ورود تکنولوژی و ابزارهای نوین و سایر امکانات رفاهی سنتی باقی ماند. با این حال ایجاد برخی نهادها و سازمان‌ها مانند شهرداری در ۱۳۲۹، فرمانداری ۱۳۴۶، آموزش و پرورش در ۱۳۴۲، برق کشی شهرستان سردشت در سال ۱۳۴۷، به صورت موتوری و در سال ۱۳۵۳ به صورت برق کشی سراسری، ورود اولین تراکتور به منطقه در سال ۱۳۴۱ و تاسیس نهادها و ادارات دیگر در این دوره می‌توانند تحولات مهمی تلقی شوند که بر رشد کمی و کیفی این جامعه سنتی موثر بوده‌اند. در واقع از مهمترین پیامدهای تغییر و تحولات اجتماعی در دوره دوم، گسترش دیوان‌سالاری و نهادهای دولتی بود که در جدول زیر ارائه شده‌اند.

اسامی اداراتی که در دوره دوم نوسازی در سردشت تأسیس شده‌اند

ردیف	نام اداره یا سازمان	سال تأسیس	ردیف	نام اداره یا سازمان	سال تأسیس
۱	اداره کشاورزی	۱۳۴۶	۱۲	کتابخانه عمومی	۱۳۴۲
۲	ثبت و احوال	۱۳۴۹	۱۳	راه و ترابری (طرق)	۱۳۱۳
۳	ثبت اسناد	۱۳۳۴	۱۴	پست	۱۳۴۴
۴	فرمانداری	۱۳۴۶	۱۵	بیمارستان عمومی	۱۳۳۸
۵	شهرداری	۱۳۲۹	۱۶	منابع طبیعی	۱۳۴۸
۶	اداره برق	۱۳۵۳	۱۷	دادگستری	۱۳۴۸
۷	آبیاری	۱۳۵۱	۱۸	دامپزشکی	۱۳۴۶
۸	آموزش و پرورش	۱۳۴۲	۱۹	مؤسسه اطمینان	۱۳۴۸
۹	بانک ملی	۱۳۴۱	۲۰	تعاون روستائی	۱۳۴۸
۱۰	بانک صادرات	۱۳۳۸			
۱۱	بانک کشاورزی	۱۳۴۹			

منبع: (بررسی میدانی محقق)



در این دوره نیز از نظر سیاسی، یک شورش سیاسی- نظامی در سال ۱۳۴۶ رخ داد که توسط شخصی به نام مُلا آواره رهبری شد. دلیل پیدایش این جنبش برخورد فئودالهای یکی از روستاها و بی‌توجهی دولت به آن بود که به یک شورش ضد فئودالی تبدیل شد. شورش مذکور از سوی دولت سرکوب شده و با دستگیری مُلا آواره پایان پذیرفت.

### دوره انقلاب اسلامی و ادامه فرآیند نوسازی در سردشت (۱۳۷۹-۱۳۵۷)

دوره گسترش نوسازی در ایران برای شهرستان سردشت معادل با دوره آغاز نوسازی است. این دوره زمینه را برای ورود شهرستان سردشت به یک ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جدید و مهم فراهم کرد که آن را در قالب دوره انقلاب اسلامی نامگذاری کرده و بررسی می‌کنیم. انقلاب اسلامی در سردشت مانند همه جای ایران با مبارزات گسترده مردمی شکل گرفت. عمده‌ترین مسئله اوایل انقلاب در کردستان و نیز شهرستان سردشت مسئله وجود گروه‌های نظامی بود و همین مسئله نیز بعدها به مانعی برای عدم سرمایه‌گذاری در این منطقه و بسیاری از مناطق دیگر کردستان تبدیل شد. از طرف دیگر جنگ ایران و عراق نیز ضایعات مالی و جانی بسیار زیادی برای مردم منطقه به بار آورد که نمونه واقعی آن بمباران شیمیایی شهر کوچک سردشت در تیرماه ۱۳۶۴ بود. در طول هشت سال جنگ تحمیلی، حملات هوایی و توپخانه‌ای دشمن، منجر به تلفات مالی و جانی و رکود در دامداری و کشاورزی سردشت شد. در هر صورت دوره سوم مورد مطالعه یعنی دوره ۱۳۸۰-۱۳۵۷ نیز شامل یک سری اقدامات و پیامدها بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقداماتی در جهت توسعه صورت گرفتند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: ایجاد واحدهای بهره‌برداری مشاع، تأسیس مراکز وزارت کشاورزی، روستایی و عشایری، تأسیس جهاد سازندگی، تشکیل شوراهای اسلامی، طرح شهید رجایی و دیگر اقدامات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی از قبیل تأسیس نهادها و سازمان‌های اداری نوین (از کیا، ۱۳۷۴: ۲۶۲؛ وثوقی، ۱۳۷۸: ۲۴۶-۲۴۷ و ۲۵۹-۲۶۰).

اسامی اداراتی که در دوره انقلاب اسلامی در سردشت تأسیس شده اند.

ردیف	نام اداره یا سازمان	سال تأسیس	ردیف	نام اداره یا سازمان	سال تأسیس
۱	سپاه پاسداران	-	۱۰	نهضت سوادآموزی	۱۳۶۰
۲	بسیج دانش آموزی	-	۱۱	شبکه بهداشت	۱۳۶۷
۳	اداره ایثارگران	-	۱۲	آب و فاضلاب	۱۳۷۲
۴	اداره اطلاعات	-	۱۳	تأمین اجتماعی	۱۳۷۰
۵	کمیته امداد	۱۳۵۹	۱۴	خدمات درمانی	۱۳۷۵
۶	بهبیستی	۱۳۶۱	۱۵	تعاونی فرهنگیان	۱۳۶۲
۷	بازرگانی	۱۳۷۳	۱۶	بنیاد شهید	۱۳۶۱
۸	جهاد سازندگی	۱۳۵۹	۱۷	مخابرات	۱۳۶۴
۹	جانبازان	۱۳۶۸			

منبع: (بررسی محقق)

انقلاب اسلامی تأثیرات متعدد و بسیار مثبتی بر سردشت گذاشت. فعالیت‌های جهاد سازندگی در قالب ایجاد راه‌های روستایی، برق کشی، شبکه‌های آبرسانی، ایجاد مدارس روستایی و از همه مهمتر فعالیت در زمینه ارائه ماشین آلات کشاورزی به صورت ارزان باعث دگرگونی بزرگی در کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، حمل و نقل و آموزش و پرورش در سردشت شد. تکنولوژی نوین زمان و کیفیت عملیات کشاورزی را دگرگون ساخت و امکانات مکانیزاسیون کشاورزی را گسترش داد؛ هر چند که هنوز نسبت قابل توجهی از زندگی اقتصادی و اجتماعی به صورت سنتی اداره می‌شد، اما در مقایسه با کردستان سنتی قابل مقایسه نیست. از طرف دیگر کوهستانی بودن و محدودیت اکولوژیکی منطقه و نیز ضعف اقتصادی مردم از جمله مسایلی بوده‌اند که باعث شدند مردم چندان به تکنولوژی زراعی دسترسی پیدا نکنند.

با به کارگیری نسبی وسایل مکانیزه و دیگر امکانات، میزان بهره‌وری زمین و محصولات نسبتاً بالا رفت و در مجموع درآمدها افزایش یافت. این در حالی بود که سردشت به عنوان یک شهر به تدریج درگیر افزایش صنعت، تجارت و مبادلات بازاری شد و روابط روستا - شهر و سردشت - شهرهای دیگر گسترش پیدا نمود. در نتیجه این تغییرات، مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی جدیدی نیز ظهور کرد که ساختار اقتصادی نوینی را رقم زده است. با این وجود میزان فقر، محدودیت و کمبود امکانات نیز

غیر قابل اغماض است. وجود دهها خانواده که از طریق گاری دستی، دست فروشی و دکه‌های کوچک زندگی می‌کنند، همگی نشان دهنده وجود میزان زیادی از فقر و محرومیت در این شهرستان است. اقدامات نوسازی اوایل انقلاب و سپس گسترش استفاده از تکنولوژی کشاورزی - دامداری نوین از یک طرف و افزایش تجارت و مبادلات و بنابراین مشاغل متنوع در سطح شهرستان سردشت، باعث شد نظام اقتصادی این شهرستان، علی‌رغم کاستی‌های متعدد به شدت متاثر شود.

برخی شاخص‌های کمی توسعه در شهرستان سردشت در سال ۱۳۷۵

بیمارستان	آب لوله‌کشی	دارای تلفن	خانوارهای دارای برق	تعداد مدرسه	خانه بهداشت	سواد	صنعت	خدمات	کشاورزی	برخی شاخص‌های توسعه
۱ بیمارستان	۶۱,۸۸	۲۰,۵۳	۷۲,۰۱	۲۸۳	۵۲	۵۸,۵۷	۱۸,۶	۳۸,۳۴	۴۱,۳۴	درصد/تعداد
۶۶ تخت‌خوابی	درصد	درصد	درصد	دستگاه	مرکز	درصد	درصد	درصد	درصد	

(منبع: سالنامه آماری سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۷ و نیز داده‌هایی که محقق از ادارات ذیربط دریافت کرده است)

اقدامات آموزشی و بهداشتی در این دوره از سوی نهادهای انقلابی و سپس توسط ادارات مربوطه مخصوصاً در چندین سال اخیر بسیار زیاد بوده است. وجود دهها مدرسه در سطح شهر و روستا و نیز دهها خانه بهداشت در مناطق روستایی بیانگر توسعه نسبی آموزش و بهداشت است. میزان سواد از ۱۰ درصد در سال ۱۳۳۵ بعد از حدود چهار دهه به ۵۸ درصد در سال ۱۳۷۵ رسید. در نتیجه تغییر و تحولات اقتصادی از یک طرف و گسترش آموزش نوین و نیز نابودی نظام ارباب و رعیتی در دوره دوم نوسازی، نوعی قشربندی اجتماعی مبتنی بر پایگاه اجتماعی و نقش‌های اجتماعی اکتسابی یا به عبارت دیگر مبتنی بر مهارت‌های شغلی و آموزشی شکل گرفت که عبارت است از: قشر کارمندان لشکری و کشوری عالی رتبه، قشر کارمندان اداری - خدماتی، قشر بازاریان و پیشه‌وران، قشر کشاورزان و دامداران و قشر روحانیون. با توجه به مرزی بودن شهرستان سردشت همواره تعدادی مشاغل مرزی قاچاق و موقت در این شهرستان رواج داشته و امروزه نیز وجود دارد. این فعالیت‌ها نیز البته توانست وضعیت اقتصادی بسیاری از افراد را متحول کرده و آنها را یک شبه به پایگاههای اقتصادی و اجتماعی بسیار بالایی برساند؛ اما با توجه به مقطعی و ناپایدار بودن این فعالیتها، آنها را در

قالب یک قشر مستقل قرار نمی‌دهیم.

به همین ترتیب در حوزه نظام اجتماعی نهاد خانواده خصوصاً در نواحی شهری تا حد زیادی هسته‌ای شد. در نواحی روستایی تقسیم جنسی و سنی کار - مگر در موارد اندکی - دگرگون شد. کودکان و نوجوانان ضمن پرداختن به آموزش، در ایام تابستان به خانواده کمک می‌کنند؛ این در حالی است که در سطح شهر سردشت با توجه به گسترش نسبی مشاغل نوین جایی برای فعالیت‌های سنتی زنان باقی نماند؛ اما هم‌زمان زنان تحصیل کرده وارد فعالیت‌های اداری، آموزشی و خدماتی شدند. امروز ازدواج‌های مبتنی بر علاقه طرفین متداول است؛ در حالی که تا چند سال گذشته و حتی هم‌اکنون نیز نمونه‌هایی از ازدواج‌های اجباری، زن به زن و ربایشی مخصوصاً در نواحی روستایی باقی مانده و هست.

فرآیند تغییر و تحولات اجتماعی بعد از انقلاب بر نظام اجتماعی تأثیرات ژرف و پیچیده‌ای گذاشت. قشر جوان و تحصیل کرده و به طور کلی تعداد زیادی از مردم در نتیجه ورود مواد و کالاهای خوراکی - پوشاکی و رفاهی نوین به شهرستان از پوشیدن لباس سنتی گردی دوری کردند، غذاهای جدیدی مانند پیتزا، ساندویچ، و... به فهرست غذایی خانواده افزوده شدند و دسترسی به امکانات و وسائل لوکس منزل مانند لوازم صوتی - تصویری، یخچال، کولر و ظروف چینی و نظایر آن به قدری متداول شده‌اند که وقتی امروزه ساکنین شهر سردشت را نگاه می‌کنیم، ظاهر، پوشش، تغذیه، اندیشه و تفکر آنها با مثلاً ۲۰ سال پیش اصولاً غیر قابل مقایسه است، به گونه‌ای که گویی افراد جدیدی وارد این شهر شده‌اند. بررسی پیامدهای برنامه‌های توسعه و نوسازی دوره انقلاب و بیان ابعاد متعدد آن کاری بسیار دشوار و سخت است که در این مقاله نمی‌گنجد. اما این بدان معنا نیست که جامعه سردشت به طور کامل و یا نسبتاً کامل فرآیند توسعه و نوسازی را تجربه کرده است؛ خیر، به هیچ وجه؛ لازم به ذکر و تأکید است که در هر سه دوره عناصر، فرآیندها و شاخص‌های نوسازی به صورت ناقص و مقطعی وارد این منطقه شدند. شواهد متعددی در این مورد وجود دارند که اصولاً نیازی به توضیح و بیان آنها نیست. هنوز بخش زیادی از فعالیت‌های کشاورزی - دامداری به صورت کاملاً سنتی و با استفاده از امکانات کاربر و نیروی انسانی انجام می‌شود؛ فرهنگ سنتی ارباب و رعیتی گرچه به صورت رسمی ریشه کن شده است اما خانواده‌های مالک و متمدول قدیمی، قدرت و منزلت

خود را در قالب اشتغال در نظام بوروکراتیک و سازمان‌های اداری دولتی باز تولید کرده و ساختارهای قدرت سنتی را همچنان در دست دارند؛ در بسیاری از نواحی طب سنتی، کم سوادی و دهها نمونه از کم توسعه یافتگی به چشم می‌خورد. این وضعیت در مورد شهر سردشت نیز به همین منوال است. مشاغل صنعتی، تجارتي و اداری در کنار مشاغل خرده‌پای سنتی و کم درآمد مرتبط با قشر تهیدست و فقیر چهره مخدوش کننده‌ای از توسعه را به نمایش گذاشته است. بنابراین می‌توان مسئله کم توسعه یافتگی این شهرستان را فرآیندی در نظر گرفت که در یک دوره طولانی شکل گرفته است.

### بحث و نتیجه گیری

در مقاله حاضر پنج هدف عمده و کلی تغییر و تحولات اجتماعی و نوسازی شامل جنبه‌های اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در قالب یک سری سؤالات اساسی مورد مطالعه قرار گرفتند. مطالعه حاضر بیانگر ایجاد تغییراتی ژرف و گسترده در فرهنگ و جامعه گردنشین سردشت در سه دوره زمانی مورد مطالعه بود. با این وجود همه جنبه‌های جامعه سردشت به شکل همسان و برابر، این تغییرات را تجربه نکرده است. فرآیند و گسترش این تغییر و تحولات در قالب برنامه‌های نوسازی دولت در هر سه دوره مورد بررسی نشأت گرفته از اقدامات و برنامه‌های دولت بوده است و بنابراین تغییر و تحولات ایجاد شده مبتنی بر منابع خارجی تغییر بوده است. بدین ترتیب که به نظر می‌رسد عوامل داخلی مانند ابداع و نوآوری چندان موثر نبوده بلکه فرآیند و عناصر نوسازی و توسعه به این جامعه وارد شده‌اند. صرف نظر از منابع و مجاری این تغییرات، پیامدها و نتایج متعدد این جریان را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

در حوزه اقتصاد و معیشت: اقتصاد و معیشت مبتنی بر کشاورزی و دامداری شهرستان سردشت به تدریج در حاشیه قرار گرفته و اشکال و فعالیتهای اقتصادی نوین مانند بخش‌های خدمات و صنعت و فعالیت‌های مشتمل بر آن پدید آمده‌اند. همچنین بخش عمده‌ای از کشاورزی و دامداری در این منطقه به صورت مکانیزه و نوین انجام می‌شود اما بخش دیگری آن همچنان سنتی باقی مانده است. در زمینه صنعت و تکنولوژی مدرن: صنایع و تکنولوژی سنتی تا حد زیادی با تکنولوژی و صنعت مدرن جایگزین شده‌اند و نیروی حیوانی جای خود را عمدتاً به نیروی ماشین داده است. این امر باعث اشتغال تعداد زیادی از ساکنان شهرستان سردشت در فعالیتهای صنعتی شده است. به همین ترتیب

پیدایش تکنولوژی حمل و نقل و ارتباطی باعث افزایش روابط مختلف شهر- روستا و نیز شهر سردشت با سایر شهرهای دور و نزدیک شده است.

در حوزه ترتیبات زیست محیطی، مهاجرت روستا- شهر و نیز میزان شهرنشینی در این شهرستان افزایش یافته است و بیش از نیمی از ساکنین این منطقه شهرنشین هستند. بدیهی است که گسترش شهرنشینی در این منطقه بیانگر ایجاد تغییراتی اساسی در سطح زندگی و رفاه مردم آن است. در حوزه ارزشی و اعتقادی این مطالعه نشان داده است که دگرگونی‌های گسترده‌ای در این جنبه پدید آمده است. بدین ترتیب که بسیاری از آداب و رسوم و اعتقادات سنتی- ارزشی رو به فراموشی سپرده شده و چندان مورد توجه مردم نیستند. برای مثال در حالیکه همین ارزش‌ها و باورهای سنتی در چند دهه گذشته نقش عمده‌ای در رفع بیماری‌ها و نظایر آن داشتند، امروزه مگر در برخی نواحی روستایی دور دست مورد توجه نیستند.

در بعد نظام خانواده و خویشاوندی تحت تأثیر ورود عناصر فرهنگی جدید، گسترش آگاهی و سواد در بین مردم و تحرک اجتماعی و مکانی ناشی از آن، الگوی هسته‌ای خانواده شکل گرفته است. به علاوه روابط قبیله‌ای و خویشاوندی تضعیف شده و روابط عقلانی و رسمی در حال گسترش است. بر همین اساس الگوی ازدواج تنظیم شده جای خود را عموماً به الگوی ازدواج مبتنی بر رضایت طرفین داده است و نقش خانواده و خویشاوندی در حال کمرنگ شده است.

در حوزه آموزش و سواد آموزی، تحت تأثیر نظام سواد آموزی نوین، مدارس و اماکن آموزشی متعددی در نواحی شهری و روستایی سردشت ایجاد شده که به نوبه خود باعث افزایش نرخ سواد و تحصیلات در این شهرستان شده است. گسترش سواد آموزی نوین نه تنها بر پیدایش و ایجاد تخصص‌ها و مشاغل آموزشی نوین تأثیر گذاشت بلکه دانش و آگاهی عمومی اجتماعی مردم را نیز بالا برد.

در حوزه بهداشت و درمان نیز به همین ترتیب با پیدایش مراکز بهداشتی و درمانی مدرن، طب سنتی و مبتنی بر اعتقادات و باورهای سنتی با طب مدرن جایگزین شد و بر ریشه کنی یا کاهش بسیاری از بیماری‌ها و امراض تأثیر نهاد و از طرف دیگر بهداشت و سلامتی عمومی جامعه را تا حد زیادی بالا برده است. با این وجود هنوز در برخی نواحی روستایی طب سنتی و مبتنی بر اعتقادات مورد توجه

است.

در حوزه سیاسی و سازمانی، در شهرستان سردشت در هر سه دوره مورد مطالعه بر گسترش نظام سیاسی - بوروکراتیک افزوده و هم‌زمان از روابط سنتی قدرت و نفوذ، کاسته شده است. پیدایش ادارات و سازمان‌های دولتی مختلف بیانگر این تغییرات مذکور است.

در حوزه قشربندی اجتماعی و روابط قدرت، با فروپاشی نظام ارباب-رعیتی در امتداد با گسترش سوادآموزی نوین و دیگر عناصر توسعه، قشربندی سنتی مبتنی بر فئودالیسم و بهره‌کشی نابود شد و فضای اجتماعی برای ظهور اقشار و طبقات اجتماعی مختلف نظیر طبقه فرهنگی، بوروکرات، تاجر و غیره باز شد. در نتیجه ملاک‌های سنتی قشربندی و طبقه‌بندی اجتماعی با ملاک‌های جدید جایگزین شدند و پایگاه‌های اجتماعی اکتسابی افراد در تعیین جایگاه آنها در جامعه نقش عمده‌ای دارد. با این وجود شایان ذکر است که هنوز در بسیاری از موارد پایگاه‌های انتسابی افراد مانند خاستگاه قبیله‌ای و خانوادگی آنها از اهمیت زیادی برخوردار است.

همانطور که تغییرات فوق نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از فرهنگ شهرستان سردشت در فرآیند چند دهه تغییر و تحولات دچار دگرگونی شده است و الگوی زندگی نوینی در این منطقه شکل گرفته است. امروزه مردم سردشت عموماً درگیر الگوی زندگی مدرنی شده‌اند که از تغییر در لباس و پوشش سنتی - پوشش غیر کُردی مخصوصاً در بین قشر جوان در حال گسترش است - تا اشتغال در فعالیتهای نوین اقتصادی و نظایر آن را در برمی‌گیرد. با این وجود، ذکر این نکته نیز بسیار ضروری است که تغییرات فوق در همه ابعاد فرهنگ این جامعه به یک اندازه یا به طور کامل ایجاد نشده است، بلکه هنوز آثار و نشانه‌های زیاد و قابل مشاهده‌ای از الگوی زندگی سنتی در آن دیده می‌شود. بدین ترتیب که اقتصاد زراعی و دامی سنتی، صنایع و تکنولوژی سنتی، استفاده از نیروی انسانی و حیوانی در نواحی روستایی، روستائین بودن بخش عمده‌ای از مردم سردشت، وجود و قدرتمندی بسیاری از آداب و رسوم و باورهای سنتی و کهن، وجود الگوی خانواده گسترده و شبکه خویشاوندی - قبیله‌ای، وجود آثار و شواهدی از قشربندی سنتی، وجود طب سنتی و بسیاری دیگر از عناصر زندگی غیر مدرن مخصوصاً در نواحی روستایی بیانگر ناموزونی فرایند توسعه و نوسازی در این شهرستان است. بدین معنا که این تغییر و تحولات در جامعه سردشت به طور کامل منجر به فروپاشی نظام اجتماعی

سنتی نشد، بلکه عناصری از این نظام اجتماعی سنتی را در کنار خود نگه داشت و نتوانست همه الگوها و ابعاد سنتی و کهن سردشت را دگرگون سازد. بنابراین نظام اجتماعی نوسازی شده امروز سردشت ترکیبی از ابعاد و اشکال دوگانه سنتی و مدرن است و این خصوصیت بیانگر این مطلب است که هنوز سنت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کنار ساختارها و عناصر مدرن همزیستی داشته و ساختار اجتماعی این شهر را به شکل بسیار ناموزون و دوگانه‌ای درآورده است.

مطالعه حاضر نشان داده است که برخلاف این تصور نادرست و غیر علمی اکثر مطالعات انجام شده خارجی مبنی بر بدوی بودن، غیر مدرن بودن و سنتی بودن زندگی اجتماعی گردها، جامعه گُرد ایران در خلال چند دهه گذشته در حال تجربه کردن تغییر و تحولات اجتماعی ژرف و گسترده‌ای بوده است. تحولات مذکور عمدتاً در سه بعد اساسی و بسیار مهم شامل گسترش آموزش مدرن، بهبود وضعیت بهداشت و درمان و همچنین پیدایش فعالیت‌ها و ساختارهای اقتصادی نوین رخ داده‌اند که بر کلیت فرهنگ این جامعه از تغییر و دگرگونی در نظام سنتی خانواده و خویشاوندی تا توسعه و بهبود در امکانات رفاهی تأثیر گذاشته است. گرچه در مقایسه با بسیاری دیگر از نواحی و مناطق کشور ممکن است وضعیت کم توسعه‌یافتگی کردستان بسیار وخیم‌تر و مسئله‌دارتر باشد اما از نظر تاریخی در مقایسه با عمق و دامنه توسعه نیافتگی خود، موفقیت‌های چشمگیری به دست آمده است که اصولاً نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد.

نکته دیگری که در اینجا ذکر آن خالی از اهمیت نیست، این است که هنوز بسیاری از ابعاد، ساختارها و عناصر اجتماعی جامعه و فرهنگ کردستان ایران ناشناخته و یا نسبتاً ناشناخته باقی مانده است. محققین خارجی با تمرکز بر ابعاد و جنبه‌های سیاسی و نظامی تاریخی گردها، بررسی‌های گُردشناختی خود را به سطح، گُرد به مثابه یک سوژه سیاسی تقلیل داده‌اند. تا حدی که از بررسی و کاوش در سایر جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه، به دلایلی خاص، طفره رفته و از آن اغماض کرده‌اند. این درک نادرست از فرهنگ و جامعه کردستان توسط محققان خارجی در کنار کم‌توجهی و بی‌توجهی اکثر محققان گُرد و غیر گُرد (اعم از جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و...) کشور، باعث شده است که هنوز درک و شناخت درست، واقعی و علمی از زندگی اجتماعی و به طور کلی فرهنگ گردها وجود نداشته باشد.



**منابع فارسی:**

- ۱) آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸) **ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی**، ترجمه کاظم شمس‌آوری و دیگران، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴) **جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۳) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹) **جامعه‌شناسی توسعه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه نشر کلمه.
- ۴) احمدی، حمید (۱۳۷۸) **قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت**، چاپ اول، تهران، نشرنی.
- ۵) امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴) **کوچ‌نشینی در ایران**، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۶) برویین سن، مارتین وان (۱۳۷۸) **جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ، دولت)**، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ اول، تهران، نشر پانیز.
- ۷) ریویز، کلود (۱۳۷۹) **درآمدی بر انسان‌شناسی**، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ اول، تهران، نشرنی.
- ۸) سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) **نتیجه سرشماری عمومی - استان آذربایجان غربی**.
- ۹) سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) **نتیجه سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان سردشت**.
- ۱۰) سو، ی. آلون (۱۳۷۸) **تغییر اجتماعی و توسعه**، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱) سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۳) **نظریه‌های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی**، چاپ دوم، تهران، نشر قومس.
- ۱۲) عسکری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۷۴) **ایرانیان ترکمن، پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۳) فوران، جان (۱۳۷۸) **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از دوره صفویه تا پس از انقلاب اسلامی**، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات رسا.
- ۱۴) گراتوسکی و دیگران (۱۳۶۱) **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران، نشر پویش.
- ۱۵) لمبتون، ا. ک. س (۱۳۴۵) **مالک وزارع در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶) لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) **تحولات اجتماعی در روستاهای ایران**، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید.
- ۱۷) نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹) **مدرنیته و مدرنیسم، سیاست، فرهنگ و نظریه اجتماعی**، تهران، انتشارات نقش

جهان.

۱۸) نیکیتین، واسیلی (۱۳۷۸) **کرد و کردستان**، ترجمه محمد قاضی، چاپ سوم، تهران، کانون فرهنگی و انتشاراتی درایت.

۱۹) همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۴) **اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی**، ترجمه محمد رضا نفیسی و دیگران، چاپ پنجم، تهران، نشر مرکز.

۲۰) همبلی، گاوین (۱۳۷۲) **خودکامگی پهلوی: رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۰): سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج**، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو.

### منابع لاتین:

- ۱) Arce, Alberto and Norman Long (2000) **Anthropology, Development and Modernities**, London, Routledge.
- ۲) Cheater, Angela, P (1989) **Social Anthropology: An Alternative Introduction**. Second Edition, London, Unwin Hyman.
- ۳) Curry, Tim and et al (1999) **Sociology for Twenty-First Century**, Second Edition, New York, Wadsworth.
- ۴) Eisenstadt, S.N (1966) **Modernization: Protest and Change**, New Jersey, Engle Wood, Cliffs, Prentice-Hall.
- ۵) Eisenstadt, Shamuël (1973) **Tradition, Change and Modernity**, New Jersey, Willey Interscience Publication.
- ۶) Ember, Carol. R. and Melvin Ember (1999) **Cultural Anthropology**, Ninth Edition, New Jersey, Prenatic-Hall.
- ۷) Etzioni, Amitai and Eva Etzioni (1964) **Social Change, Toward a Theory of Modernization**, New York, Basic Book, INC Publishers.
- ۸) Ferraro, Gary (1997) **Cultural Anthropology**, Third Edition, Belmont, West/Wad.
- ۹) Heckmann, Lale (1991) **Tribe and Kinship among Kurds**. Frankfurt: Peter Long Press.
- ۱۰) Hulme, David and Mark Turner (1990) **Sociology and Development :Theories, Policies and Practices**, New York, Harvester Wheat Sheaf.
- ۱۱) Inkeles, Alex (1977) "The Modernization of Man", in, **Modernization: Dynamics of Growth**, Edited by Myron Weiner, New York, Voic of America Forum Series.
- ۱۲) Koivunen, Kristiina (2002) **Invisible War in North Kurdistan**, Helsinki, Helsinki University Press.
- ۱۳) Lauer, Robert, H (1984) **Perspectives on Social Change**, Boston, Allyn and Bacon.
- ۱۴) Neuman, Lowerence (2001) **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches**, Forth Edition, Allyn and Becon.
- ۱۵) Shils, Edward (1977) "Modernization and Higher Education", in, **Modernization: Dynamics of Growth**, Edited by Myron Weiner, New York, Voic of America Forum Series.
- ۱۶) Spengler, Joseph, J (1977) "Breakdowns in Modernization", in, **Modernization: Dynamics of Growth**, Edited by Myron Weiner, New York, Voic of America Forum Series.
- ۱۷) Thomas, Jim (1993) **Doing Critical Ethnography**, London, Sage Publications.
- ۱۸) Weiner, Myron (1977) **Modernization: The Dynamics of Growth**, New York, Voic of

America Forum Series.

۱۹) Wood, Rober, C (1977) "Modernization and Higher Education", in, **Modernization: The Dynamics of Growth**, New York, Voic of America Forum Series.

***The Process and Consequences of Modernization and Social Change in Iranian Kurdistan:  
Case Study of Sardasht Township (1921-2000)***

*Dr. Ahmad Mohammadpur*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی